

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «کرامت انسانی»

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۱۲

تاریخ: ۱۳۹۴/۲/۶



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «کرامت انسانی»

مؤلف:

حمید رضا گوارشکی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۱۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۲/۶

پژوهشکده شورای نگهبان



فهرست مطالب

۳	چکیده.....
۳	کلیدواژه‌ها.....
۳	درآمد.....
۴	۱- واژه شناسی.....
۴	۱-۱. معنای لغوی کرامت.....
۴	۲-۱. معنای اصطلاحی کرامت انسانی.....
۵	۲- مفاهیم مشابه.....
۶	۳- اقسام کرامت انسانی.....
۶	۳-۱. کرامت تکوینی (ذاتی).....
۶	۳-۲. کرامت اکتسابی.....
۷	۴- پیشینه بحث.....
۸	۵- مبانی کرامت انسانی.....
۸	۵-۱. مبانی اسلامی کرامت انسانی.....
۸	۵-۱-۱. عقل.....
۹	۵-۱-۲. بعد الهی انسان.....
۹	۵-۲. مبانی حقوقی کرامت انسانی.....
۹	۵-۲-۱. نظریه خودمختاری اخلاقی کانت.....
۱۰	۵-۲-۲. نظریه حقوق طبیعی.....

- ۵-۳. نظریه مکاتب فردگرایی ۱۱
- ۶- کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۱
- ۶-۱. اتکای نظام جمهوری اسلامی ایران بر کرامت و ارزش والای انسان ۱۱
- ۶-۲. آزادی و کرامت ابناء بشر، به عنوان سرلوحه اهداف قانون اساسی ۱۲
- ۶-۳. ممنوعیت استفاده ابزاری از زن و ایمان به کرامت والا تر او ۱۲
- ۶-۴. احترام به حیثیت و کرامت انسانی در اصول مختلف قانون اساسی ۱۳
- ۶-۵. جمع‌بندی ۱۳
- منابع جهت مطالعه بیشتر ۱۴
- منابع ۱۵

چکیده

کرامت انسانی یکی از اختصاصات وجودی انسان‌ها است که باعث می‌گردد آدمیان از احترام و شرافت برخوردار گردند. این کرامت، خود به دو دسته کرامت ذاتی و کرامت ارزشی اکتسابی تقسیم می‌شود. کرامت ذاتی مشترک بین همه افراد انسانی است؛ اما کرامت اکتسابی نیازمند کسب و ارتقا بخشیدن است و لذا الزاماً همه انسان‌ها از این نوع کرامت برخوردار نبوده یا در میزان آن با یکدیگر برابر نیستند. کرامت انسان از مبانی فقهی و حقوقی مختلفی نشأت گرفته است و به همین جهت در قوانین مختلف به رعایت این اصل اساسی اهتمام ورزیده شده است. از جمله مبانی فقهی آن عبارتند از عقل، وحی و بعد الهی انسان. درباره مبانی حقوقی آن هم مکاتب مختلفی، از جمله قائلین به اصالت فرد و طرفداران حقوق طبیعی به اظهار نظر پرداخته‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم به موضوع کرامت انسان توجه ویژه داشته و در اصول مختلف خود، سعی در حفظ و احترام به کرامت انسانی افراد بشری داشته است.

کلیدواژه‌ها:

کرامت انسانی، کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی

درآمد

یکی از اساسی‌ترین موضوعات در مباحث حوزه حقوق بشر، بحث کرامت انسانی است. اندیشمندان زیادی در اسلام و غرب در رابطه با این موضوع قلم فرسایی کرده و نظر داده‌اند. در این کوتاه سعی شده به منظور آشنایی با مفهوم، ابعاد و مبانی کرامت انسانی از منظر حقوقی و با مبنا قراردادن اندیشه اسلامی این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم.

در این پژوهش، به صورت مختصر، توضیحاتی در مورد مفهوم، مبانی و جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوقی ارائه شده است. در ابتدا مفهوم کرامت انسانی را توضیح داده و مبانی فقهی و حقوقی آن را بررسی می‌کنیم و در نهایت، به بررسی جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۱- واژه شناسی

در این قسمت، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی موضوع مورد بحث خواهیم پرداخت.

۱-۱. معنای لغوی کرامت

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، سخاوت، جوانمردی، احسان، بزرگواری، بخشندگی، داد و دهش، بزرگواری داشتن کسی، با مروت شدن، نفیس و عزیز شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸۲۳۰ و ۱۸۲۳۱)

معادل واژه کرامت در زبان عربی «الکرامة» و کرامت انسانی نیز «الکرامة الإنسانية» است. در زبان انگلیسی، معادل کرامت عبارت است از «Dignity» و عبارت کرامت انسانی، معادل «Human dignity» می‌باشد.

۲-۱. معنای اصطلاحی کرامت انسانی

با وجود اهمیتی که بحث کرامت انسانی دارد، تعریف دقیقی از آن ارائه نشده است. آیت الله جوادی آملی، کرامت را یکی از اصول اسلام و انسان‌شناسی می‌داند و آن را پایه‌ای محکم برای اخلاق و قانون بر می‌شمارد. ایشان معتقد است که کرامت انسان حاکی از آن است که انسان دارای کیفیت برتر و عالی است و گوهر برین موجودات جهان به شمار می‌رود. این کرامت نظری می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی را نیز به همراه داشته باشد. به همین دلیل، همه تعالیم اخلاقی و حقوقی باید با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶۳)

همچنین، علامه محمدتقی جعفری کرامت انسانی را پاک بودن از آلودگی‌ها و عزت و شرف و کمال مخصوص به آن موجود که کرامت به او نسبت داده شده است می‌داند. (جعفری، ۱۳۷۰: ۱۷۹)

می‌توان کرامت انسان را با رویکردی حقوقی، این‌گونه تعریف کرد که «انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه، به طور محترمانه زندگی کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش، حیثیت او را با خطر مواجه سازد» لذا حکومت باید به گونه‌ای عمل کند که حتی موجب بی‌حرمتی شخص مجرم نگردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

۲- مفاهیم مشابه

۱. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، واژه «Inherent dignity» آمده است، که ترجمه آن، «حیثیت ذاتی» است. نیز همچنین در ماده یک اعلامیه آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...»، که کلمه «حیثیت» ترجمه واژه «dignity» است. در مجموع می‌توان گفت مراد از حیثیت ذاتی، همان کرامت است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۹۱)

فضیلت و آزادی معنوی نیز از جمله مفاهیم مشابه کرامت انسانی هستند که بررسی و روشن نمودن آن‌ها در فهم دقیق مفهوم کرامت انسانی مؤثر می‌باشد. در مورد معنای فضیلت باید گفت که فضیلت در لغت به معنای رجحان، برتری، فزونی، مزیت، صفت نیکو در مقابل رذیلت است. (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۶: ۲۷۷) از نظرفارابی معنای فضیلت عبارت است از: «هیأت‌های نفسانی که آدمی به [کمک] آن‌ها افعال نیک و زیبا را انجام می‌دهد. (علمی سولا، ۱۳۹۰: ۱۱۸)

اما بین فضیلت و کرامت تفاوت وجود دارد. تفضیل و تکریم ناظر به یک دسته از موهبت‌های الهی است که به انسان داده شده است. تکریمش به دادن عقل است که به هیچ موجود دیگری داده نشده و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد. موهبت‌های دیگری از قبیل تسلط بر سایر موجودات و استخدام و تسخیر آن‌ها برای رسیدن به هدف‌ها از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می‌شود که عقل باشد.

اما تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که آنچه را که به آن‌ها داده، از هر یک سهم بیشتری به انسان داده است، اگر حیوان غذا می‌خورد خوراک ساده‌ای از گوشت و یا میوه و یا گیاهان و یا غیر آن دارد، ولی انسان که در این جهت با حیوان شریک است، این اضافه را دارد که همان مواد غذایی را گرفته و انواع طعام‌های پخته و خام برای خود ابتکار می‌کند، طعام‌های گوناگون و فنون مختلف و لذیذ که نمی‌توان به شماره‌اش آورد، برای خود اختراع می‌نماید و همچنین آشامیدنی و پوشیدنی و اطفاء غریزه جنسی و طریقه مسکن گزیدن و رفتار اجتماعی در حیوانات و انسان بدین قیاس است. (طباطبایی، ۱۳۹۶ ه. ق، ج ۱۳: ۱۶۶)

آزادی معنوی انسان هم به این معنا است که شرافت، انسانیت، عقل و وجدان

انسان، اسیر شهوت، یا خشم، یا منفعت طلبی انسان نباشد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۳) با این معنا، آزادی معنوی می‌تواند مقدمه‌ای برای کسب کرامت اکتسابی در انسان تلقی گردد، که در ادامه بیشتر به تبیین آن خواهیم پرداخت.

۳- اقسام کرامت انسانی

اندیشمندان اسلامی، بر اساس آیات و روایات، کرامت انسانی را به دو دسته کرامت ذاتی و اکتسابی تقسیم نموده‌اند، که در ادامه، در مورد هر یک توضیحاتی را ارائه می‌نماییم:

۳-۱. کرامت تکوینی (ذاتی)

این نوع کرامت، که از آن با عنوان حیثیت طبیعی هم یاد می‌کنند عبارت است از این‌که خداوند متعال فرزندان آدم علیه السلام را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر بسیاری از کائنات برتری داده است. منشأ این کرامت عبارت است از رابطه بسیار مهم و با ارزش خداوندی با انسان و همچنین صفات و نیروها و استعدادها بسیار با اهمیت که با به کار انداختن آن‌ها و تکاپوی مخلصانه در مسیر حیات معقول، به اتصاف به کرامت عالی ارزشی نائل می‌گردد. (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۸۰)

مهم‌ترین چیزی که موجب امتیاز انسان است، همان بهره‌مندی او از «عقل» می‌باشد. تا آن‌جا که ما می‌دانیم، موجودی از نظر مواهب ذاتی و خدادادی به انسان نمی‌رسد. آیه هفتم سوره مبارکه اسراء نیز به این کرامت و برتری اشاره می‌نماید.^(۱) (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۹۵)

۳-۲. کرامت اکتسابی

کرامت اکتسابی یا ارزشی از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌گردد. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است. کرامت ارزشی عالی، که بالاتر از کرامت ذاتی است، ملاک امتیاز را بر مبنای تقوا استوار می‌سازد. (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹ و ۲۸۱) بنابراین، بر خلاف کرامت ذاتی، همه انسان‌ها دارای این نوع کرامت

۱. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُهِ وَ أَلْبَسْنَاهُمْ مِنْ الْكَبْشَاطِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

نیستند. به تعبیر روشن‌تر، همه نیروها و استعدادهای مثبت که خداوند به انسان‌ها عنایت فرموده، مقتضی ارزش و کرامت و حیثیت است، که مقتضی به وجود آمدن حق کرامت برای آنان می‌باشد، اما این به آن معنا نیست که همه انسان‌ها الزاماً از این توانایی‌ها استفاده کرده و همگی دارای این قسم از کرامت وجودی باشند. (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۸۲)

یکی از آیاتی که دلالت بر کرامت اکتسابی می‌کند، آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات است. این آیه شریفه، تقوا را مایه کسب کرامت می‌داند و بیان می‌کند که از میان انسان‌ها، کسی دارای کرامت و احترام بیشتری است که تقوای بیشتری داشته باشد.^(۱) از نظر قرآن کریم، بین تقوا و کرامت رابطه مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که هرچه تقوا بیشتر باشد، کرامت فزون‌تر می‌گردد. تقوا یک امر اختیاری و اکتسابی است، نه یک امر ذاتی و خدادادی و انسان باید آگاهانه و از روی اختیار، با اطلاعات از دستورات الهی و ویژگی تقوا را در خود ایجاد کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۹۶-۲۹۵)

۴- پیشینه بحث

می‌توان گفت در میان مبانی حقوق بشر، کرامت انسان بنیادی‌ترین اصل به شمار می‌رود. تا آن‌جا که در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر از آن صحبت به میان آمده است. (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۶۰) در بسیاری از میثاق‌های بین المللی نیز سخن از کرامت انسانی به میان آمده است. اساساً این مسأله در جهان غرب ابتدا در بین مسائل فلسفی رخ نمود و سپس پا به عرصه حقوق بشر گذاشت و بالأخره در دسامبر سال ۱۹۴۸، همزمان با جنگ جهانی دوم و با تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، با صراحت بیشتر به عنوان مهم‌ترین مبنای حقوق بشر معرفی گردید.

از طرفی شاید بزرگترین نقطه ضعف این منشور، عدم توجه به منشأ کرامت و نیز کرامت الهی است. به همین خاطر، در سال ۱۹۹۰ و در واکنش به کاستی‌های این منشور، گروهی از دانشمندان مسلمان در شهر قاهره مصر گرد هم آمده و به تدوین منشور حقوق بشری مشابه با آن‌چه غربیان به ارمغان آورده بودند پرداختند. وجه تمایز مهم این منشور با اعلامیه ۱۹۴۸ در اسلامی بودن و تطابق آن با فرهنگ وحی بود.

۱. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

به هر حال، این اعلامیه با نقاط قوت و ضعفی که داشت، سرآغاز بحث‌های مفصل با محوریت کرامت انسانی و به عبارتی حق کرامت انسان‌ها شد. پس از آن تدوین قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورهای غرب و شرق بر طبق این اصل فراگیر و آوردن این الفاظ در میان متون قوانین، تبدیل به یک امتیاز بزرگ و البته یک نیاز شد. چه این که پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران نیز در تدوین و تنظیم قانون اساسی، بدین مهم توجه شد و در اصل دوم، کرامت انسانی در کنار اموری چون توحید، معاد، نبوت، امامت و عدالت، به عنوان یکی از شش مبنای کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی معرفی گردید. (حقیقت پور، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۷)

۵- مبانی کرامت انسانی

بررسی مفهوم کرامت، از دو بعد فقهی و حقوقی ممکن می‌گردد. در این بخش ابتدا مبانی فقهی یا اسلامی را آورده و سپس به ذکر مبانی حقوقی یا عرفی خواهیم پرداخت.

۵-۱. مبانی اسلامی کرامت انسانی

در اینکه خداوند انسان را به چه چیز گرامی داشته که در آیه هفتادم سوره مبارکه اسراء، به طور سربسته می‌گوید ما انسان را گرامی داشتیم، در میان مفسران گفتگو است. بعضی به خاطر اعطای قوه عقل و نطق و استعدادهای مختلف و آزادی اراده می‌دانند. بعضی اندام موزون و قامت راست. بعضی موهبت انگشتان، که انسان با آن بسیار کارهای ظریف و دقیق را می‌تواند انجام دهد و همچنین قدرت بر نوشتن دارد. بعضی به اینکه انسان تقریباً تنها موجودی است که می‌تواند غذای خود را با دست بخورد. بعضی به خاطر سلطه او بر تمام موجودات روی زمین و بعضی به خاطر شناخت خدا و قدرت بر اطاعت فرمان او می‌دانند. ولی روشن است که این مواهب در انسان جمع است و هیچ‌گونه تضادی با هم ندارند. بنابراین گرامیداشت خدا نسبت به این مخلوق بزرگ با همه این مواهب و غیر این مواهب است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۲۱)

اکنون به دو مورد از مهم‌ترین این مبانی، یعنی موهبت عقل و بعد الهی انسان اشاره‌ای خواهیم داشت.

۵-۱-۱. عقل

مهم‌ترین وجه تمایز انسان از سایر موجودات، عقل او است. در تفسیر آیه

تکریم،^(۱) برخی مفسران بر این عقیده‌اند که خداوند تکریم انسان را با اعطای عقل به او انجام داده است. (طباطبایی، ۱۳۹۶ ه.ق، ج ۱۳: ۱۶۶)

۵-۱-۲. بعد الهی انسان

دومین مبنای کرامت انسانی، روح خدایی است که در انسان دمیده شده است.^(۲) دانشمندان مسلمان اعتقاد دارند که انسان در میان موجودات دیگر، یک شخصیت مرکب است. در واقع، انسان یک موجود خاکی، طبیعی و مادی است. ولی خداوند متعال از روح خود، در همین موجود آفریده شده از آب و خاک، که مانند حیوانات دارای جسم و جسد است، چیزی دمیده است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۸) بدین ترتیب، انسان دو مقام یا دو درجه دارد: درجه دانی و حیوانی و درجه عالی و انسانی. (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۳)

۵-۲. مبانی حقوقی کرامت انسانی

در پاسخ به این سؤال که چرا و بر چه مبنایی، انسان دارای کرامت ذاتی است، نظریه‌های مختلفی مطرح گردیده است که به مهم‌ترین آن‌ها به اختصار اشاره می‌کنیم.

۵-۲-۱. نظریه خودمختاری اخلاقی کانت

امانوئل کانت^(۳) از بزرگترین فیلسوفان اروپایی است. کانت تعهد احترام به حیثیت انسان و آزادی او را، هم‌چون وحی‌مداران بر مبنای فرامین الهی و هم‌چون «هیوم»، محصول ترجیحات و امیال انسانی و یا محصول اراده حکومت‌ها و یا مقتضیات اجتماعی جوامع نمی‌داند؛ بلکه تکلیف و تعهد به احترام به حیثیت دیگر انسان‌ها را صرفاً مبتنی بر عقلانیت انسانی توجیه می‌کرد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۱۰۸). کانت با طرح نظریه کرامت ذاتی انسان می‌گوید: «آنچه به ما کرامت و ارزش می‌دهد، «انسانیت» ما است؛ یعنی شخصیت اخلاقی ما، که ما را بر جانوران محض به مراتب برتری می‌بخشد. جانوران را غرایزشان راهنمایی می‌کند، ولی ما آزاد و خودآیین^(۴) و ... خودقانون‌گذار^(۵) هستیم...». (سالیوان راجر، ۱۳۸۰: ۱۰۹) به عقیده کانت، توانایی

۱. «لقد کرّمنا بنی آدم...»، اسراء / ۷۰.

۲. «و نفخت فیہ من روحي»، حجر / ۲۹.

۳. ۱۸۰۴ - ۱۷۲۴ م.

تفکر مستقل برای تشخیص این‌که چه چیزی اخلاقاً درست و چه چیزی نادرست است، به دلیل توان تعقل و استدلال آدمی، در همه کس «ذاتی» است. همه را دارای توان خودآیینی دانستن بدین معنا است که قوانین بنیادی دولت باید به‌طور یکسان و برابر شامل همه کس شود. البته به عقیده کانت، تساوی مدنی به معنای برابری از حیث مال و قدرت و جریمه کردن افراد برتر از نظر روحی و جسمی نیست.... «آنچه تساوی سیاسی و مدنی به آن نیاز دارد فرصت و امکان برابر است؛ بدین معنا که هر کس مجاز باشد برای رسیدن به هر وضع و مقامی که آرزومند است در محدوده امکانات یک جامعه آزاد تلاش کند و هیچ کس نباید به‌طور غیرقانونی مانع رسیدن دیگران به آرزویشان شود». (سالیوان راجر، ۱۳۸۰: ۴۶).

۵-۲-۲. نظریه حقوق طبیعی^(۱)

حقوق طبیعی که از آن بعضاً به حقوق نانوشته نیز تعبیر می‌شود، در بردارنده حقوقی برای انسان است که آدمی، به خاطر انسان بودن از آن‌ها برخوردار گشته است. بنا به نظر طرفداران این نظریه، حقوق طبیعی هرچند در هیچ سند و اعلامیه‌ای درج نشده باشد، قابل اغماض و اهمال نیست و ملاک اعتبار این نوع حق، خود آن است که می‌تواند از حقیقت وجود انسان یا طبیعت و یا آفریدگار این طبیعت سرچشمه گرفته باشد. (جاوید، ۱۳۸۹: ۷) نظریه حقوق طبیعی، در حقیقت نظریه‌ای است که در آن بشر و حقوق وی را صاحب اصالت و رسالت شناخته شده‌ای دانسته و جوهره‌ای ثابت برای آن مفروض می‌داند. (جاوید، ۱۳۸۹: ۸)

نظریه‌های حقوق طبیعی را می‌توان به دو گروه نظریات سنتی و مدرن تفکیک کرد. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۸۰) در مکتب حقوق طبیعی مدرن، با تأکید بر مسأله «عقل» انسانی به جای «طبیعت» آدمی بر تعریف سبکی از قانون طبیعی و حقوق انسانی گرد آمده‌اند که به واسطه آن، انسان بیش از آن‌که حقوق بشری خود را مدیون همالوایی و ودیعت طبیعت بداند، ناشی از خرد خاص خویش می‌داند. اما متفکران کلاسیک حقوق طبیعی، طبیعت آدمی را بیش از هرچیز، مدیون طبیعت و شباهت به عدالت و اعتدال آن می‌دانند. (جاوید، ۱۳۸۹: ۹-۱۱) در واقع، دغدغه اصلی نظریات سنتی، وجود قانون برتر و انطباق هنجارهای حقوقی با قواعد برتر است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲: ۸۰) در این نگاه،

کرامت انسانی نیز ناشی از این قواعد برتر یا هنجارهای حقوقی ناشی از طبیعت آدمی است که در وجود او این کرامت را به ودیعه گذاشته است.

۵-۲-۳. نظریه مکاتب فردگرایی^(۱)

جوهره فردگرایی که از نظریات فلاسفه یونان باستان نشأت گرفته است، عبارت است از نگرش استقلالی به فرد انسان، به عنوان یک کل در برابر سایر اعیان خارج از خود و در تقابل با دیگر کل‌های همسان که کانونی از تفکر و احساسات پیچیده بوده و قادر بر سیطره بر جهان و محیط و برترین تنظیم‌کننده روابط میان خود و دیگران و مهم‌ترین داور در مورد خوبی و بدی است. (حقیقت، ۱۳۸۱: ۱۵۰) در چنین آموزه‌ای جنبه مادی حیات و تمایلات بشری اصالت یافته و هرگونه اقتدار برتر از انسان مورد تردید قرار گرفته و انکار می‌شود و فرد به عنوان تنها منبع و منشأ تشکیل جامعه و مشروطیت قراردادهای اجتماعی قلمداد می‌شود. (میرموسوی، ۱۳۷۶: ۱۶۴) از منظر فردگرایان، مبنا و اساس اصالت و شرافت فرد، آزادی و استقلال ذاتی انسان است. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷، ص ۳۶)

۶- کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حمایت از کرامت ذاتی انسان و احترام به آن، مقررات مختلفی را به شرح زیر پیش‌بینی کرده است:

۶-۱. اتکای نظام جمهوری اسلامی ایران بر کرامت و ارزش والای انسان

بند ششم از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعتقاد به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا را در کنار اصول اعتقادی یعنی توحید، نبوت، معاد، امامت و عدل، به عنوان بیان مبانی نظام جمهوری اسلامی مطرح کرده است.^(۲) این امر بیان‌گر اهمیت بنیادین و اساسی موضوع کرامت

1. Individualism

۲. «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به

(۱) خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر او؛

(۲) وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین؛

(۳) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

(۴) عدل خدا در خلقت و تشریع؛

(۵) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی؛

(۶) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا»

انسانی است، به گونه‌ای که نفی آن ملازمه با نفی و انکار ارکان اصلی حکومت اسلامی، یعنی جمهوری و اسلامی بودن نظام دارد.

۶-۲. آزادی و کرامت ابناء بشر، به عنوان سرلوحه اهداف قانون اساسی

در این مورد، در مقدمه قانون اساسی (بخش مربوط به وسایل ارتباط جمعی) چنین مقرر گردیده است:

«... پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است».

این بخش از قانون اساسی هم، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه بسیار والای کرامت انسانی در نظام حقوقی ایران است؛ زیرا قانون اساسی در این بخش، آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه و زینت بخش تمامی اهداف خود دانسته است. این سخن به این معناست که هیچ هدف و هیچ مصلحتی بالاتر از کرامت انسانی نیست و این مصلحت قابل معامله با مصلحت‌های دیگر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی وسیله‌ای برای عینیت بخشیدن به آزادی و کرامت ابناء بشر است. بنابراین برعهده همگان و خصوصاً قانونگذار است که با پایبندی به این اصل و لوازم و آثار آن، زمینه را برای تحقق عدالت و آزادی و برابری و برادری و توسعه و پیشرفت فرد و جامعه فراهم آورد.

۶-۳. ممنوعیت استفاده ابزاری از زن و ایمان به کرامت والای او

در مقدمه قانون اساسی، در مورد ممنوعیت استثمار و استفاده ابزاری از انسان و به ویژه زنان مبحثی جداگانه تحت عنوان «زن در قانون اساسی» مطرح شده است که از دقت در آن به این نکته پی می‌بریم که تصویب کنندگان قانون اساسی با ممنوعیت استثمار و استفاده ابزاری از انسان، به‌ویژه زن، کرامت ذاتی زن و حقوق انسانی ناشی از آن را به رسمیت شناخته‌اند؛ چون ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان^(۱) و رفتار با او به عنوان غایت بالذات، نتیجه منطقی اعتقاد به کرامت و حرمت ذاتی او است. البته از آن‌جا که در این بخش از قانون اساسی با توجه به وظیفه خطیر مادری زن و وظایف و مسؤولیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که می‌تواند داشته باشد، از ارزش و کرامت والای زن نیز سخن به میان آمده است، معلوم می‌شود که تدوین کنندگان این

1. Instrumentalization

قانون، کرامت ارزشی و اکتسابی زن را نیز مورد تأکید قرار داده‌اند. دلیل این امر آن است که کرامت ذاتی انسان هیچ‌گونه رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد.^(۱)

۴-۶. احترام به حیثیت و کرامت انسانی در اصول مختلف قانون اساسی

قانونگذار اساسی، در اصول مختلف این قانون نیز با پیش‌بینی مقرراتی چون منع شکنجه (اصل ۳۸)، منع هتک حرمت و حیثیت دستگیرشدگان و زندانیان (اصل ۳۹)، منع تبعید خودسرانه یا تغییر اقامت اجباری (اصل ۳۳)، منع دستگیری و توقیف غیرقانونی (اصل ۳۲)، منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳)، حقوق مساوی اقوام و قبایل (اصل ۱۹) و موارد متعدد دیگری، احترام به کرامت انسانی را مورد تأکید قرار داده و بدین وسیله، از آن حمایت کرده است. (حبیب زاده، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۰)

همچنین قانون «احترام به آزادی‌های مشروع» مصوب ۱۳۸۳ ه.ش. با پیش‌بینی مقرراتی از قبیل رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت متهمین، به رسمیت شناختن حق دفاع برای متهمین و مشتکی علیهم، رعایت موازین اخلاقی و اسلامی در برخورد با متهمین و مجرمین، منع اذیاء، تحقیر و استخفاف افراد دستگیرشده، منع شکنجه متهمین و...، به حمایت از کرامت انسانی برخاسته است.

۵-۶. جمع‌بندی

با توجه به مفهوم و مبانی نظری کرامت انسانی و در نظر گرفتن آموزه‌های دینی می‌توان گفت، اولاً کرامت ذاتی انسان آن نوع شرافتی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی اراده، وجهه الهی و... به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند. این نوع کرامت، یک امر ذاتی و غیرقابل انفکاک از انسان است؛ یعنی انسانیت انسان بدون آن قابل تصور نیست و تا زمانی که لفظ انسان بر کسی صدق کند

۱. در مقدمه قانون اساسی این‌گونه می‌خوانیم که «... خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده، که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی است... زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصر ف زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود، هم‌رمز مردان در می‌دان‌های فعال حیات می‌باشد. و در نتیجه پذیرای مسؤولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی از ارزش و کرامتی والا تر برخوردار خواهد بود».

و به واسطه جنایت بر خویشتن و اطرافیان خود این صفت را از خود سلب نکند، از کرامت انسانی برخوردار خواهد بود.

ثانیاً انسان علاوه بر کرامت ذاتی، بالقوه، دارای کرامت اکتسابی نیز می‌باشد، که برای کسب آن، باید راه بندگی و اطاعت از حق را بیاماید. بر اساس آیات و روایات، معیار این کرامت، ایمان و تقوا است و هر چه تقوای شخص بیشتر باشد، کرامت اکتسابی یا ارزشی او نیز بیشتر خواهد بود.

از آن‌جا که کرامت انسانی، یک اصل اساسی در اسلام به حساب می‌آید، در قوانین مختلف جمهوری اسلامی ایران، مخصوصاً قانون اساسی آن، نسبت به این امر مهم عنایت ویژه‌ای صورت گرفته؛ به طوری که در جای جای این میثاق ملی، از مقدمه گرفته تا اصول آن، به جنبه‌های مختلف این کرامت اشاره شده است. از جمله این اصول، بند ۶ اصل دوم قانون اساسی می‌باشد که ایمان به کرامت و ارزش والای انسان‌ها را یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی می‌داند.

منابع جهت مطالعه بیشتر

۱. احمدی، عیدمحمد، کرامت انسانی و مجازات‌های بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر غربی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۹۰.
۲. جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۳. _____، مقدمه‌ای بر اعلامیه جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام، بی‌جا: ششمین کنفرانس اندیشه اسلامی.
۴. جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۲.
۵. _____، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء، ۱۳۷۵.
۶. _____، کرامت در قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۶.
۷. رنجبر، مقصود، حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۸. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۰.
۹. _____، «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران»، مجله راهبرد، شماره ۵، زمستان ۱۳۷۵.
۱۰. منتظری، حسینعلی، رساله حقوق، تهران، سرایی، ۱۳۸۳.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۳. جاوید، محمدجواد، حقوق بشر در اسلام، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۴. جعفری تبریزی، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، چاپ اول، تهران، دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، چاپ اول، قم، اسراء، ۱۳۷۵.
۶. حقیقت، سیدصادق؛ میرموسوی، سیدعلی، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۷. حقیقت پور، حسین، کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۲، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۹. رحیمی نژاد، اسماعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
۱۰. سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
۱۱. طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم ۱۳۹۶ ق.

۱۲. علمی سولا، محمدکاظم؛ فرخ زادگان صفی آباد، مهین، «بررسی تطبیقی فضیلت از دیدگاه کانت و فارابی»، الهیات تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۵، از ۱۰۹ تا ۱۳۰.
۱۳. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «حقوق بشر در جهان معاصر»، دفتر اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، چاپ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۰.
۱۵. _____، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۱۶. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، صدرا، ۱۳۸۵.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۷.
۱۸. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۹. میرموسوی، سیدعلی، «مبانی نظری حقوق بشر در اسلام»، نشریه قبسات، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، شماره ۵ و ۶.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



یژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir